

اختلافات خانوادگی؛

علل، عوامل و راه حل‌ها

آیة الله العظمیٰ محمد تقی عبدالهادی گمشادزهی
مدرس دارالعلوم زاهدان

می‌یابند. از اولین خصوصیات انبیاء علیهم السلام نیز تعلق آنها به خاندان پاک و سالم است، بگونه‌ای که حتی دشمنانشان نیز به پاکی خانوادگی آنها معترف بودند. نمونه هایی از این اعترافات را قرآن مجید ذکر کرده است:

«یا اخی مروان ما کان ابوک امرأ سوء و ما کانت امک بغیاً»^(۱)؛ ای خواهر هارون! نه پدر تو مرد بدی بود. و نه مادرت زن بدکاره‌ای!

در جوامع غربی سالهاست که بصورت برنامه ریزی شده فعالیت‌هایی در جهت تضعیف خانواده انجام می‌گیرد و جوانان به بیرون آمدن از قید و بند‌های خانوادگی و طغیان علیه آن تشویق می‌شوند. روانشناسان غربی نیز با این استدلال که تنها راه به دست آوردن شخصیت سالم و مستقل کنار گذاشتن سنت‌های کهن خانوادگیست، تمام سعی و تلاش خود را در زمینه کاهش وابستگی‌های خانوادگی متمرکز کرده‌اند.

این تفکرات تنها به جامعه غرب محدود نمانده بلکه جوامع شرقی و اسلامی را نیز تحت تأثیر قرار داده است و نتایج زیان بار آن در جامعه اسلامی کاملاً به چشم می‌خورد؛ سردی روابط خانوادگی، افزایش آمار جرم و جنایت و سپردن سالمندان به مراکز خیریه

خانواده اولین و مهمترین نهاد اجتماعی انسانهاست، بسیاری از هنجارها و ناهنجاری‌های جامعه مربوط به همین نهاد مقدس است. هر چه محیط خانواده سالم و امن باشد به همان اندازه در روحیه افراد و اعضای آن تأثیر مثبت گذاشته و این تأثیرات مطلوب به جامعه منتقل می‌شود. اگر محیط خانواده محیطی نامساعد و ناهنجار باشد بهمان اندازه بر اخلاق اعضای خانواده تأثیر سوء گذاشته و از این طریق جامعه را نیز متأثر می‌کند. و بیشترین تأثیر آن بر کودکان است، زیرا شخصیت کودک متأثر از برخورد اعضای خانواده با یکدیگر رشد کرده و شکل می‌گیرد، و اخلاق و روحیات بزرگترهای خانواده تأثیر مستقیمی در تربیت کودک دارد.

بدون شک بسیاری از مشکلات اخلاقی جامعه امروز ما ریشه در اختلافات خانوادگی دارد. آمارهای مربوط به مسایل اخلاقی نشان می‌دهد، اغلب افراد بزهکار از نعمت خانواده سالم محروم بوده و وارث ناهنجاریهای خانوادگی هستند. همچنین کسانی که در جامعه به موفقیت‌هایی رسیده‌اند نیز موفقیتشان را مدیون خانواده سالم خویش هستند.

این یک واقعیت ملموس و حقیقی است که انسانهای مصلح و موفق در خانواده‌های سالم و خوب پرورش

اهمیت ایجاد صلح و آشتی

اهمیت ایجاد صلح و آشتی و بر طرف کردن کدورت‌ها بر کسی پوشیده نیست و این عمل در فهرست وظایف انبیاء قرار دارد. برای اثبات جایگاه رفیع صلح و آشتی در اینجا ما به چند نکته بسنده می‌کنیم:

۱- برتری اصلاح ذات البین از عبادات نفلی: یکی از دلایلی که اهمیت این عمل اجتماعی را ثابت می‌کند برتر بودن آن از عباداتی همچون صوم، صلوة و صدقه است. در صورتیکه عبادات مذکور از اهم عبادات در اسلام هستند، مخصوصاً در مورد روزه در یک حدیث قدسی آمده است: «الصوم لی وانا اجزی به»؛ روزه برای من [الله تعالی] است و من خود پاداش آن را خواهم داد. اما با این حال ایجاد صلح و آشتی در میان انسانها برتر از آن است.

۲- ترک نماز جماعت بخاطر ایجاد صلح: اهمیت نماز جماعت بحدی است که رسول اکرم ﷺ در طول مدت حیات خویش خود شخصاً به اقامه آن می‌پرداختند و بسیاری از امور انفرادی و اجتماعی را به خاطر آن به تأخیر می‌انداختند و جز در موارد بیماری یا سفر هرگز اتفاق نمی‌افتاد که ایشان جماعت را ترک کرده باشند؛ اما فقط یکبار آنحضرت ﷺ در حال صحت و سلامت کامل نماز جماعت را ترک کردند که آنهم به خاطر ایجاد صلح و آشتی بود.^(۱)

۳- لیس الکذاب الذی یفمی خیراً: دروغ در اسلام عملی زشت و از گناهان کبیره است، اما اگر کسی برای ایجاد صلح و آشتی میان دو کس یا دو گروه، کلامی بظاهر خلاف واقع بگوید یعنی به اینصورت که از انتقال مسایلی که موجب کدورت گشته و دشمنی را بیشتر می‌کند اجتناب کرده و در عوض به هر یک از آن دو بگوید که طرف مقابل در مورد او حسن نیت دارد و به این صورت زمینه را برای صلح و آشتی فراهم آورد،

۱- علامه محمد تقی عثمانی، اصلاحی خطبات: ۱۱/۱۸۸، مبین اسلامک پبلیشر کراچی

و آسایشگاهها از نتایج این تفکر بیمارگونه است. امروزه جوامع غربی طعم تلخ همین اقدامات به ظاهر صلاح طلبانه را می‌چشند و اندیشمندان غرب در صدد بازیابی روابط سالم خانوادگی برآمده‌اند و کاملاً به این حقیقت پی برده‌اند که نهاد خانواده نیرویی بازدارنده است و پایبندی به آن تاثیر زیادی در سالم‌سازی جامعه دارد.

دین اسلام خانواده را نهاد مقدسی می‌داند و اعضاء خانواده را به پاسداری از آن و رعایت حقوق یکدیگر تشویق و تأکید می‌نماید. بدون شک در سایه رعایت حقوق یکدیگر و انجام وظایف فردی است که محیط خانواده محیطی سالم و بستری مناسب برای شکل‌گیری جامعه‌ای سالم خواهد بود.

البته وجود اختلاف و نارضایتی در هر جمع و گروهی کاملاً طبیعی است، مخصوصاً در جمع خانوادگی که منافع افراد و اعضاء آن با هم گره خورده و بعضاً در تضاد و اصطکاک با هم قرار می‌گیرد.

گرچه سوء تفاهمات و اختلافات درونی در کنار وساوس شیطانی و دخالت اطرافیان از عوامل مهم اختلافات خانوادگی به شمار می‌آیند اما امروزه زندگی ماشینی و رقابتهای مادی از سویی و هجوم فرهنگ غرب و خودمحوری و فردگرایی از سویی دیگر بیش از پیش باعث بیگانگی از هم شده و کانون خانواده را با خطرات جدی مواجه ساخته است.

نظر به اهمیت اصلاح خانواده و جامعه جا دارد در زمینه ریشه یابی علل و عوامل اختلافات و راهکارهای حل آن تدابیر کارشناسانه‌ای اندیشیده شده، راهنمایی‌های لازم به جوانان داده شود، و این امر میسر نخواهد بود مگر با همکاری اندیشمندان و مصلحین جامعه با مسئولین اجتماعی.

ما نیز به نوبه خود و به قدر توان در این نوشتار سعی خواهیم کرد، ضمن معرفی عوامل درونی و بیرونی اختلافات و معضلات خانوادگی به چاره جویی و پیشنهاد راهکارهای لازم بپردازیم.

✓ دین

اسلام خانواده

را نهاد مقدسی

می‌داند و اعضاء

خانواده را به

پاسداری از آن و

رعایت حقوق

یکدیگر تشویق

و تأکید می‌نماید.

خداوند متعال در قرآن مجید با آیه شریفه «یا ایها الناس اتقوا ربکم»^(۲)؛ ای مردم! (از عقاب و عذاب) پروردگارتان بترسید.

بطور مکرر زن و مرد را مورد خطاب قرار داده و آن دو را به رعایت حقوق یکدیگر توصیه و از ایجاد اختلاف برحذر می‌دارد.

برخی از عوامل اختلافات خانوادگی

۱- ازدواج اجباری: یکی از علل اختلافات خانوادگی و شاید از مهمترین آن، ازدواجهای اجباری مخصوصاً بی توجهی به رضایت دختر باشد. این امر در جوامع سنتی و عشیره‌ای بیش از دیگر جوامع مشهود است. قطعاً دختر و پسری که بدون رضایت و به زور به عقد یکدیگر در آمده باشند، ازدواجشان فرجام خوشی نخواهد داشت. زیرا عدم تفاهم از همان ابتدای ازدواج مانع خوشبختی شده و روز به روز نیز به شدت تنفر و انزجارشان نسبت به یکدیگر افزوده می‌شود.

ازدواج اجباری در جامعه پدرسالاری قریش و کلاً عرب آنروز بسیار متداول بود، بگونه‌ای که کمتر دختری جرأت می‌کرد با رأی پدر و اولیاء خویش مخالفت کند و یا بدون اجازه آنها برای ازدواج با فرد مورد علاقه خویش اظهار تمایل نماید. اغلب دختران علی‌رغم میل باطنی با فرد پیشنهادی اولیاء خویش ازدواج می‌کردند و آنرا بخشی از سرنوشت و تقدیر تاریک خویش می‌دانستند.

اما رسول اکرم ﷺ با این رسم جاهلی به شدت مبارزه کرده و بارها ازدواجهای اجباری را بر هم زدند و والدین را متقاعد ساختند که دختر و پسر باید با عشق و علاقه قلبی ازدواج نمایند نه فقط بخاطر رضایت اولیاء.

از دروغگویان نخواهد بود و وعیدهای عمل زشت دروغ شامل او نخواهد شد.

ایجاد اختلاف از مهمترین وظایف شیطان

رسول اکرم ﷺ در ادامه حدیث گذشته فرمودند: «فساد ذات البین هی الحالقة»؛ اختلاف از بین برنده است. و سپس فرمودند: از بین برنده دین شماست. اختلاف و درگیری واقعاً از بین برنده دین و ایمان انسان است زیرا فرد را مبتلا به گناهان بی‌شمار دیگری همچون دروغ، تهمت، غیبت، تکبر، حسادت و غیره می‌نماید. در حدیث دیگری فرمودند: «اذا التقى المسلمان بسیفیهما فالقاتل والمقتول کلاهما فی النار»؛ هرگاه دو مسلمان (به خاطر تعصبات قومی و فامیلی) با یکدیگر درگیر (و کشته) شوند سرانجام هر دوی آنها آتش خواهد بود.

اختلاف و درگیری که در هر جمع و گروهی نكوهیده و بد است، در جمع خانوادگی بدتر است زیرا این عمل بیش از هر چیز دیگری موجب مسرت و خوشحالی شیطان می‌گردد.

در روایتی آمده است: «ایادی شیطان پس از اینکه وظایفشان را انجام می‌دهند در یک گردهمایی برای انتخاب شیطان نمونه شرکت می‌کنند و هر کدام گزارش تلاشهایشان را ارائه می‌نمایند. در حالیکه بسیاری از آنها توانسته‌اند انسانهایی را مرتکب اعمال حرام و ترک فرائض و یا وادار به قتل عمد نمایند، اما در نهایت فردی به عنوان شیطان نمونه انتخاب می‌شود که توانسته است با وسوسه‌های مکرر، میان زن و شوهری اختلاف انداخته و موجب جدایی آن دو گردد.^(۱)

شاید یکی از دلایل مسرت بیش از حد شیطان از اختلافات خانوادگی این باشد که اختلاف و نارضایتی زن و شوهر تنها به خود آن دو محدود نمانده بلکه موجب اختلافات دیگری در میان فامیل گشته و دامنه آن وسعت پیدا می‌کند. و شاید به همین علت است که

رسول اکرم ﷺ

با این رسم جاهلی به شدت مبارزه کرده و بارها ازدواجهای اجباری را بر هم زدند و والدین را متقاعد ساختند که دختر و پسر باید با عشق و علاقه قلبی ازدواج نمایند نه فقط بخاطر رضایت اولیاء.

۱- مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، باب الفتن و اشرافه، شماره: ۵۰۳۲

البته در اینجا لازم است به این نکته نیز اشاره کنیم که تنها عشق و تفاهم برای ایجاد زندگی سعادت‌مند کافی نیست و در کنار آن باید به تناسب نیز توجه شود. دختر و پسر باید از نظر سن، دیانت، فرهنگ و اخلاق باهم تناسب داشته و هم شأن یکدیگر (کفو) باشند زیرا در این صورت بهتر همدیگر را درک کرده و زندگی خوشگوارتری خواهند داشت.

تفاوت‌های دینی، مالی و فرهنگی اغلب موجب توهین و تحقیر یکدیگر شده و زندگی زناشویی را تلخ می‌نمایند؛ همچنین عدم تناسب سنی باعث عدم درک متقابل و سردی روابط می‌گردد.

۲- دخالت اطرافیان: دخالت‌های اطرافیان مخصوصاً خانواده‌ها یکی از مشکلات زوج‌های جوان در اوایل زندگی مشترک است. در جوامع سنتی این امر به یک معضل جدی برای خانواده‌ها تبدیل شده و همواره حوادث تلخی همچون خودکشی، قتل و طلاق را موجب می‌گردد. متأسفانه در این جوامع گاهی زوج‌های جوان بدون کوچکترین اختلافی صرفاً بخاطر جلب رضایت اطرافیان و بزرگان فامیل ناچارند از هم جدا شوند و در واقع زندگی آنها عرصه انتقام‌گیری و اشباع حس غرور بزرگترها می‌شود. در حالیکه این عمل نه تنها مشکلی را حل نمی‌نماید بلکه مشکلات لاینحل دیگری را نیز به آن اضافه می‌کند.

نوع دیگری از دخالت، دخالت انسان‌های منحرفی است که برای رسیدن به مقاصد شوم و غیر اخلاقی خویش با ایجاد سوءظن و فتنه‌جویی موجب بدبینی زوجین از یکدیگر شده، موجبات جدایی آنها را فراهم می‌آورند، و برای این کار حتی به اعمال زشت و پستی همچون جادو و غیره نیز متوصل می‌شوند. چنین افرادی طبق فرموده قرآن مجید هیچ بهره‌ای در آخرت ندارند و کاملاً افتخار همکاری با شیطان را دارا می‌باشند: «فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجته و ما هم بضارین به من احد الا باذن الله و لقد علموا لمن اشتراه ما له فی الآخرة من خلاق»^(۱)؛ از ایشان

چیزهایی آموختند (و در راهی از آن استفاده کردند) که با آن میان مرد و همسرش جدایی می‌افکندند. و حال آنکه با چنین جادویی نمی‌توانند به کسی زیان برسانند مگر اینکه با اجازه و خواست خدا باشد و آنان قسمتهایی را فرامی‌گرفتند که برایشان (از لحاظ دنیا و آخرت) زیان داشت و بدیشان سودی نمی‌رساند و مسلماً می‌دانستند هرکسی خریدار اینگونه متاع باشد، بهره‌ای در آخرت نخواهد داشت.

۳- عدم توجه به معنویت و دیانت: یکی از عوامل تفرقه و درگیری‌های خانوادگی ضعف معنویت و دیانت است. این امر موجب خودخواهی، خودمحوری و بی‌توجهی نسبت به وظایف زناشویی و حقوق دیگران می‌گردد. در اینصورت فرد صرفاً به منافع فردی خویش توجه داشته و نتایج و فواید اعمالش را در زندگی دنیوی خویش دنبال می‌کند و دلیلی نمی‌بیند که کاری را که ظاهراً نفعی برای او ندارد صرفاً در جهت خدمت به دیگران و نجات زندگی خانوادگی انجام دهد.

قطعاً دیانت هر کدام از زوجین ضمن اینکه زندگی را برای همسرش شیرین و لذت‌بخش می‌کند باعث گرمی و صمیمیت روابط زناشویی نیز می‌گردد. شوهر دین‌دار سعادت خویش را در گرو سعادت خانواده خویش می‌داند و برآوردن نیازهای خانواده را از اهم واجبات خویش بحساب آورده در جهت تحقق آن تلاش می‌کند. همچنین زن متدین، حفاظت از اموال و آبروی شوهرش را از واجبات دینی خویش بحساب آورده همواره با شوهرش صادقانه برخورد می‌کند و عقایدش هرگز این اجازه را به او نمی‌دهد که به شوهرش خیانت کند.

۴- توقعات زیاد و ناسپاسی: یکی از عواملی که باعث بروز اختلاف در خانواده می‌گردد، توقعاتی است که اعضای خانواده از یکدیگر دارند، در حالیکه بسیاری از این توقعات بر آورده نمی‌شوند و مشکل عمده

✓ قطعاً

دیانت هر کدام از زوجین ضمن اینکه زندگی را برای همسرش شیرین و لذت‌بخش می‌کند باعث گرمی و صمیمیت روابط زناشویی نیز می‌گردد. شوهر دین‌دار سعادت خویش را در گرو سعادت خانواده خویش می‌داند و برآوردن نیازهای خانواده را از اهم واجبات خویش بحساب آورده در جهت تحقق آن تلاش می‌کند.

اینجاست که همه به توقعاتی که از دیگران دارند توجه می‌کنند نه به توقعات و انتظاراتی که دیگران از آنها دارند.

انسانها همواره خوبی‌هایی را که در حق دیگران کرده‌اند به یاد دارند و از اینکه در مقابل آن خوبی‌ها پاسخی دریافت نمی‌کنند ناراحت شده و از بی‌نمک بودن دست خویش گلایه دارند، اما در مورد کوتاهی‌های خود و خوبی‌های دیگران چنان حضور ذهنی ندارند. وقتی در یک خانواده همه اعضاء آن با چنین نگرشی اعمال همدیگر را مورد ارزیابی قرار دهند طبیعی است که همواره در میانشان ناراحتی و گلایه خواهد بود.

راه از بین بردن این گلایه‌ها کم کردن توقعات است. انسان باید توقعات و انتظاراتش را از انسانها بریده و به خالق خویش وابسته نماید و از کسی انتظار نداشته باشد که خوبی‌ها و نیکی‌های او را جبران کند.

نیکی را باید همواره بخاطر خود نیکی و اجر و ثوابی که دارد انجام داد نه با انتظار جبران آن، در این صورت است که شخص از نیکی کردن به دیگران لذت می‌برد و البته زندگی بسیار لذت بخش‌تری نیز در قیامت در انتظار او خواهد بود. و همین توجه به ثواب اخروی زندگی دنیوی را نیز شیرین و باطراوت می‌کند.

این حقیقت را هم باید پذیرفت که فراموش کردن احسانات دیگران و ناسپاسی برای بشر امری کاملاً طبیعی است و همیشه انتظار سپاس‌گذاری از آن انتظار بی‌حاصل خواهد بود.

عده‌ای از والدین همواره از ناسپاسی فرزندانشان گلایه دارند، البته حق هم دارند، زیرا پدر و مادر نه تنها به عنوان سرپرست و بزرگ‌خانه بلکه به عنوان کسانی که بزرگترین حق را بر انسان دارند شایسته تکریم و اطاعت هستند و اطاعت از آنها از عبادات مهم محسوب می‌گردد. قرآن مجید نیکی به والدین را پس از ایمان به خدا بزرگترین عمل صالح قرار داده است و این حقیقت را یادآور شده است که فرزندان، زندگی،

✓ انسان
باید توقعات و
انتظاراتش را از
انسانها بریده و
به خالق خویش
وابسته نماید و از
کسی انتظار
نداشته باشد که
خوبی‌ها و
نیکی‌های او را
جبران کند.

جوانی و سعادت خویش را مدیون والدین خویش هستند و والدین حق دارند در پاسخ اینهمه ایثار و احسان انتظار سپاسگذاری و حق‌شناسی داشته باشند.

البته این امر به تربیت فرزندان بستگی دارد، اگر والدین می‌خواهند فرزندان حق‌شناس و سپاسگذار داشته باشند باید آنها را همانگونه تربیت نمایند، زیرا حق‌شناسی میوه پرورش صحیح است و نمی‌توان آنرا در میان افراد تربیت نیافته پیدا کرد. و البته وهله اول لازم است که والدین خود حق‌شناس باشند، زیرا اگر فرزندان مشاهده کنند که والدینشان نسبت به دیگران حق‌شناس و سپاسگذار نیستند بخوبی این عادت را از آنها تقلید کرده و در مورد خودشان عملی می‌سازند.

۵- اختلاف سلیقه: یکی از مواردی که بعضاً زندگی مشترک را با مشکل مواجه می‌کند، اختلاف سلیقه است. وجود اختلاف سلیقه در میان دو فرد امری طبیعی و مسلم است، مخصوصاً اگر دو فرد از نظر فرهنگی و مالی تفاوت‌هایی باهم داشته باشند. گاهی مسایلی مانند نسب، ثروت و سواد بهانه‌هایی می‌شوند برای اثبات برتری و تحقیر یکدیگر؛ در دین اسلام برای جلوگیری از مشکلاتی که از این بابت ممکن است در راه زندگی مشترک قرار گیرند توصیه شده که زوجین از نظر فرهنگ، نسب و مخصوصاً دیانت تناسب داشته باشند، اما با این حال در زندگی شهری امروز تفاوت‌های نسبی، فرهنگی و مالی امری اجتناب‌ناپذیر است. پس نباید این تفاوتها را بهانه‌ای برای تلخ کردن زندگی مشترک قرار داد و نباید پذیرفت که زن و مرد با تمام این تفاوتها و نابرابری‌ها در حقیقت از یک سرچشمه و نژاد هستند. قرآن مجید این حقیقت را آشکارا اعلام داشته است: «یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بث منهما رجالاً کثیراً و نساءً»^(۱)؛ ای مردمان! از (خشم) پروردگارتان بپرهیزید. پروردگاری که شما را از یک انسان بیافرید و (سپس) همسرش را از نوع

او آفرید، و از آن دو نفر مردان و زنان فراوانی (بر روی زمین) منتشر ساخت.

اختلاف سلیقه و دیدگاه گاهی سبب می‌شود که هر یک از زوجین نقاط ضعفی را در دیگری مشاهده نمایند و بسیاری از عادات و اعمال او را ناپسند و زشت بدانند. توجه به این نکته ضروری است که هر آنچه در نگاه شخص زشت جلوه کند لازم نیست که در حقیقت هم زشت باشد و یا آنچه را که انسان زیبا می‌پندارد چه بسا که در واقع زیبا نباشد؛ بارها اتفاق می‌افتد که انسان ایده‌آلهای گذشته خود را تغییر داده و آنها را اشتباه بدانند و چه بسا آنچه را که امروز ایده‌آل خویش قرار داده روزی تغییر داده و اشتباه بدانند. قرآن مجید در این مورد تعبیر زیبایی دارد آنجا که می‌فرماید: «و عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم و عسی ان تحبوا شیئاً و هو شر لکم»^(۱)؛ و لیکن چه بسا چیزی را دوست نمی‌دارید و آن چیز برای شما نیک باشد، و چه بسا چیزی را دوست داشته باشید و آنچه برای شما بد باشد.

این طبیعی است که هر کس از دیدگاه مخصوص خودش به تجزیه و تحلیل مسائل می‌پردازد. یکی ممکن است چیزی را زیبا ببیند اما دیگری بعینه همان را زشت بداند، ممکن است شخصی که در مسجد نشسته خیابانی را که از بغل مسجد می‌گذرد قناس ببیند اما دیگری که در خیابان قرار دارد خیابان را مستقیم و دیوار مسجد را قناس بداند.^(۲)

از این رو به تفاوت نظر و دیدگاه نباید زیاد اهمیت داد. امام مسلم رضی الله عنه در صحیح خویش روایتی نقل کرده‌اند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: ان المرأة خلقت من ضلع ان تستقیم علی طریقه فان استمتعت بها استمتعت بها و بها عوج و ذهبت تقیمها کسرتها و کسرها طلاقها»^(۳)؛ همانا زن از پهلو آفریده شده که هرگز راست نمی‌گردد، اگر بخواید در همان حال از آن استفاده کنید می‌توانید اما اگر بخواهید راستش کنید می‌شکند او را و شکستن زن طلاق او است.

در این حدیث شریف رسول اکرم صلی الله علیه و آله به این حقیقت اشاره کردند که هر کجی دلیل بر معیوب بودن نیست همانگونه که کج بودن پهلو عیبی نیست زیرا اگر پهلو ی انسان راست می‌بود این زیبایی را نداشت، ضمن اینکه عمل تنفس هم به خوبی انجام نمی‌گرفت. همین طور بسیاری از زیبایی‌های شخصیت زن هم بخاطر همین کجی هاست.

شاید ذکر داستانی این حقیقت را بیشتر برای ماروشن کند؛ علامه محمد تقی عثمانی در یکی از سخنرانی‌هایش داستان پیرزنی را نقل کرده‌اند که مالک عقابی بود، این پیرزن ساده لوح کج بودن منقار و چنگالهای عقاب را عیب می‌دانست و تصور می‌کرد که این کجیها ممکن است مانع راه رفتن و شکار عقاب گردد، بهمین خاطر از سر دلسوزی با قیچی منقار و چنگالهای عقاب را قطع کرد، اما با این عمل موجب نابودی عقاب بیچاره گشت.^(۴)

از این رو بجای تلاش بی‌ثمر در مورد نقاط ضعف همسر خویش، باید به نقاط قوتش توجه داشت زیرا اگر مثبت فکر شود قطعاً هر کدام از زوجین نقاط قوت بیشماری در یکدیگر مشاهده خواهند نمود، و با توجه به مزیتها و زیبایی‌ها و صرف نظر کردن از ضعفها می‌توان بسیاری از درگیری‌ها و کدورتها را از بین برد. چنانکه در حدیثی آمده است: «لا یفرک مؤمن مؤمنة ان کره منها خلقاً رضی منها آخر»^(۵)؛ هیچ مرد مؤمنی نباید از زن مؤمنه‌اش متنفر باشد زیرا اگر عادت‌های او را از عاداتش نپسندد عادت دیگری را خواهد پسندید.

۶- شفاف نبودن مسایل مالی: یکی از مسایلی که می‌تواند زمینه ساز بسیاری از اختلافات باشد شفاف

۱- بقره: ۲۱۶

۲- علامه محمد تقی عثمانی، اصلاحی خطبات: ۲۳۱/۱۱، مبین اسلامک پبلیشر کراچی

۳- صحیح مسلم، کتاب الرضاع، باب الوصیة بالنساء، حدیث: ۲۶۷۰

۴- علامه محمد تقی عثمانی، اصلاحی خطبات: ۲۳۲/۱۱، مبین اسلامک پبلیشر کراچی

۵- صحیح مسلم، کتاب الرضاع، باب الوصیة بالنساء، حدیث: ۲۶۷۲

✓ هیچ مرد

مؤمنی نباید از

زن مؤمنه‌اش

متنفر باشد زیرا

اگر عادت‌های او را از

عاداتش نپسندد

عادت دیگری را

خواهد پسندید.

و کل مال ترکه را تصاحب می‌کنند. حتی در مواردی اگر اعتراضی هم توسط زنی بشود، از آنجایی که برای او حقی قایل نیستند، توجهی به این اعتراضات نداشته و خوردن اموال او را حلال می‌دانند. در حالیکه رسول اکرم ﷺ فرمودند: «لایحل مال امرء مسلم الا بطیب نفسه»؛ مال هیچ شخص مسلمانی بدون رضایت قلبیش برای کس دیگری حلال نیست.

شاید زشت‌ترین و زنده‌ترین صحنه این ظلم بزرگ زمانی است که اموال یتیمی توسط عموها و دیگر ورثه به تاراج رفته و جلوی چشمان اشکبارش حیف و میل می‌شود.

این عمل به حدی زشت و شنیع است که هر وجدان بیداری را متألّم ساخته و عرش الهی را نیز به لرزه در می‌آورد.

اما آیا وجدان خوابیده انسانهای قسی‌القلب نیز روزی بیدار خواهد شد؟

«به امید آن روز»

نبودن مسایل مالی در خانواده است. در بسیاری از خانواده‌ها اموال و دارایی‌های اعضای خانواده مشترک و مشاع است و افراد به دلیل صمیمیت و یا رودربایستی از شفاف کردن دخل و خرج خویش طفره می‌روند و حتی آنرا عیب می‌دانند. رسول اکرم ﷺ در این باره فرمودند: «تعاشروا کالاخوان تعاملوا کالاجانب»؛ با هم همچون برادران معاشرت و هم‌زیستی داشته باشید ولی در معاملات و دادوستد همچون بیگانگان برخورد کنید.

آنچه از این فرموده گهربار رسول اکرم ﷺ استدلال می‌شود این است که در معاملات باید قانونمند و بدون رودربایستی عمل کرد، اگر چه معامله در میان اعضای یک خانواده باشد. در اموال مشترک لازم است سهم هر کدام از شرکاء و مقدار مصرفی هر یک مشخص و روشن باشد تا بعداً بر سر میزان مالکیت و یا سود و زیان احتمالی اختلافی بروز نکند. زیرا مسایل مالی قطعاً پس از گذشت زمان موجب اختلاف در میان برادران خواهد شد، حتی اگر بپذیریم که آنها اختلاف نکنند، قطعاً فرزندانشان اختلاف خواهند کرد.

۷- تقسیم نکردن ارث: یکی از عوامل درگیری‌های خانوادگی تقسیم نکردن ارث، مخصوصاً محروم کردن زنان و دختران از آن است. این مسأله اغلب موجب کدورت‌های عمیق شده و تا چند نسل ادامه پیدا می‌کند و در مواردی موجب قتل و خونریزی نیز می‌گردد.

در جوامع سنتی بدلیل حاکم بودن فرهنگ مردسالاری محروم کردن زنان و دختران از ارث به فرهنگی رایج و عادی تبدیل شده و کمتر صدای اعتراضی در مورد آن شنیده می‌شود، حتی خود دختران نیز تحت تأثیر این فرهنگ جرأت مطالبه حقوق خویش را نداشته و به ناچار سکوت می‌کنند و بقیه ورثه که در اغلب موارد برادران و یا عموها هستند، همین سکوت را نشانه رضایت آنها قرار داده

✓ شاید
زشت‌ترین و
زنده‌ترین
صحنه این ظلم
بزرگ زمانی
است که اموال
یتیمی توسط
عموها و دیگر
ورثه به تاراج
رفته و جلوی
چشمان
اشکبارش حیف
و میل می‌شود.